یادداشت

دولت چهاردهم و عملیاتی‌شدن مفاد اصل سوم قانون اساسی

کدام‌یک اولویت حکومت است حقوق ملت یا آرای ملت؟

محمدهادی جعفرپور
وکیل دادگستری

اصل ۱۳۲ و ۱۱۳ قانون اساسی در مقام تبیین موقعیت ریاست‌جمهوری مقرر می‌کند: «رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی برعهده دارد، در برابر ملت و رهبر و مجلس مسئول است. رئیس‌جمهور پس از رهبر عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی برعهده اوست.»

قانون اساسی به منزله عالی‌ترین قانون حاکم بر روابط دولت و ملت مبیّن تکالیف حکومت و حقوق مردم در شیوه حکمرانی رژیم‌های سیاسی مبتنی بر جمهوریت است. پیرو چنین امری حداقل تکلیف تعریف‌شده برای هر حاکمیتی ارائه طریق برای تأمین حقوق ملت و تعریف اهداف بلندمدت در شیوه حکمرانی با هدف تحقق این امر مهم است که مقدمه و شالوده تحقق چنین ایدئالی توجه به جایگاه مردم در شکل‌گیری ارکان حکومت و سیاست‌های تعریف‌شده در نظام حاکم است. تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران گواه این ادعاست که حضور و حیات سیاسی ملت ایران در شیوه حکمرانی و شکل‌گیری دولت برای اولین مرتبه با فرمان مشروطه آغاز شده. تا قبل از آن مردم چندان تعلق خاطری به حاکمیت نداشته، مجالی برای عرض اندام در مقام تحلیل و بررسی نحوه اداره امور کشور نداشتند.

انقلاب مشروطه از دو جنبه در تصمیم‌سازی‌های کشور و نقش مردم درخورتوجه است: اهمیت نقش مردم در این مقطع زمانی به آن جهت است که با وقوع مشروطه فعالان سیاسی-اجتماعی همراه با اعالی رسانه هریک به فراخور خویش در همان فضای خاص قجری به تحلیل حاکمیت و عملکرد حکومت پرداختند. یوواند ابراهمیان در کتاب مردم در سیاست ایران به نقش جمعیت‌های مردمی در انقلاب مشروطه و سیاست‌های حاکم در دوران پس از مشروطه تا حوالی سال ۲۲ اشاره کرده و می‌گوید انقلاب مشروطه نقطه عطف نقش مردم در پایان‌دادن به نظام سلطه شاه بر مردم بود. تعدیل و سپس حذف این باور که شاه سایه خدا بر روی زمین است. اگرچه به کندی و به‌سختی در کشور حاکم شد اما بالاخره تلاش‌ها و مطالبه‌گری مردم به نتیجه دلخواه در آن مقطع زمانی رسید.

یقینا تا پیش از انقلاب مشروطه و تدوین قانون اساسی مردم به معنی عام آن در نظام سلطنتی حاکم نقش و جایگاه تعریف‌شده‌ای نداشتند اما همین مردم که از حداقل حقوق اساسی و سیاسی آن دوران بهره‌مند نبودند. توانستند با اتحاد و همدلی به اولین خاستگاه جمهوریت که همانا دانستن قانون اساسی است، دست یابند. در۹۵ بند ۱۲۸۵ قانون اساسی مشروطه با ۵۱ ماده حول محور موضوعاتی مانند طرز کار مجلسین تنظیم شد.

در متن اولیه قانون مشروطه هیچ اشاره‌ای به حقوق ملت نشده بود که همین نقصان سبب تدوین متمم قانون اساسی در ۱۲ مهرماه ۱۲۸۶ شد.

فصل و بحث حقوق ملت در متمم قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گرچه محل تمسخر و تمرکز هر طیف از عبارات و کلمات تفاوت‌هایی داشته باشد اما می‌ماند و جوهر هر دو قانون حاکمیت به هم و در قانون اساسی فعلی ملت از حقوق و امتیازات بیشتری بهره‌مند هستند، به گونه‌ای که در تئوری و نظریات سیاسی و بنیان رژیم سیاسی نظام در اختیار مردم است. این دو قانون اساسی در قرن بیستم حامل دو انقلاب و دگرگونی سیاسی است که در ایران رخ داده و هریک به نوعی سبب تحولات عظیمی در ساختار سیاسی-اجتماعی کشور شده که مؤید اهمیت نقش مردم در شکل‌گیری رژیم سیاسی و ساختار حکومت است. اکنون در آستانه انتخاب چهاردهمین ریاست‌جمهوری ایران مهم‌ترین پرسشی که حکومت باید به آن پاسخ دهد، میزان باور و اعتقاد عملی دولت به نقش مردم و پیشینی بودن حقوق عملی شهروندی ملت در چهارچوب سیاست‌گذاری‌های کلان حکومت است. امری که به انحای مختلف مغفول افتاده. هیچیک از دولت‌های پیشین نتوانستند به این مهم دست یابند.

مفاد اصل سوم قانون اساسی مهم‌ترین بستر عملی‌شدن برای اهمیت توجه به حقوق ملت و توقعات مردم در شیوه حکمرانی است: چراکه قانون اساسی تحقق پایه‌های نظام مردم‌سالار در اصل دوم قانون اساسی را منوط به تحقق اهدافی مانند: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی، مبارزه با فساد، بالاردن سطح آگاهی عمومی با استفاده از مطبوعات و رسانه، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، تظلم اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور، پی‌ریزی اقتصاد عادلانه، رفاه اجتماعی، امنیت قضائی و... به‌عنوان تکلیف دولت می‌داند که در اصل سوم به‌عنوان اهداف دولت به تفصیل بیان شده است؛ اهدافی که پس از چهل‌وچند سال از تصویب قانون اساسی و با وجود صراحت اصولی که پس‌جمهوری را محوری قانون اساسی می‌داند، به شکلی مطلوب و قابل دفاع تحقق نیافته‌اند!

نکته درخورتوجه اینکه با وجود صراحت قانون اساسی که رئیس‌جمهور را پس از رهبری عالی‌ترین مقام اجرائی کشور می‌داند، هریک از دولت‌ها، ناکارآمدی رژیمی جمهور پیشین را سبب مصائب و مشکلات حاکم دانسته و با همین فرمان دوره ریاست‌جمهوری یکی پس از دیگری طی شده تا امروز که شاهد انتخابات چهاردهمین دوره جمهوری اسلامی ایران خواهیم بود.

بنابراین آنچه در این مقطع زمانی بیش از هر امری تأمل‌برانگیز به نظر می‌رسد، توجه تام و تمام رئیس‌جمهور منتخب به ارائه طریقی مناسب برای عملی‌کردن اصول تعریف‌شده حول حقوق ملت و اهداف دولت مندرج در اصول سوم قانون اساسی است. عطف به اهمیت این امر لازم است شعارها و توانایی هریک از نامزدان انتخابات آی و عملکرد هریک از ایشان در مسئولیت‌های پیشین تطبیق داده شود. بلکه از این طریق، میزان توجه و تعلق خاطر ایشان به نقش مردم در سیاست‌گذاری‌های حکومت و جایگاه حقوق ملت شناسایی شود.

واضح و مبرهن است که مهم‌ترین شرط عملیاتی‌شدن این توقع حکومت قانون و برابری همه ملت ایران در برابر قانون است، بنابراین شرط کافی و لازم برای یک دولت مطلوع عمل به سلامت بودن هرگونه تنسیب به رای به بهانه مصلحت‌اندیشی و... است. بدون‌شک مهم‌ترین نشانه برای اعتقاد به این باور مهم پایبندی به قانون و ارائه طریق عملیاتی برای اعمال بی‌کم‌وکاست اصول قانون اساسی به‌ویژه اصولی است که در چند دهه گذشته مغفول افتاده. با وجود انشای برنامه‌های متنوع هیچ‌گونه راهکار عملیاتی برای اجرای مفاد این اصول دیده نمی‌شود. شاهد این مدعا چالش‌های حاکم بر حقوق محیط زیست، مشقبول‌بودن دایره شمول حقوق سیاسی و آزادی‌های عمومی مردم و مصادیق آن از قبیل تجمع اعتراضی، آزادی مطبوعات، حضور حداکثری ملت در انتخابات، مصائب حاکم بر نحوه اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، امنیت قضائی و تأمین شیوه دادرسی عادلانه، تأمین حقوق شهروندی و رفاه مادی منشور حقوق شهروندی و... از جمله موضوعاتی است که در همان مرحله ابتدایی تصریح در برنامه‌ها و سیاست‌ها مغفول مانده است.

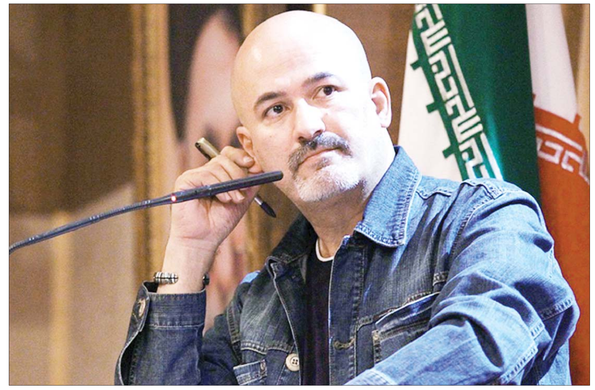

«فروشنست زمین» پدیده شوم محیط‌زیستی است که به دلیل برداشت بیش از اندازه و غیرمجاز آب از سفره‌های زیرزمینی در کشور رخ داده و گفته می‌شود با ادامه روند کنونی برداشت آب در آینده نزدیک، نه دیگر آب کافی برای مصرف داریم و نه برای کشاورزی؛ یعنی با وجودی که حد معقول و مجاز برداشت از منابع آب زیرزمینی ایران ۲۷ میلیارد مترمکعب در سال است، اکنون بالغ بر ۴۲ میلیارد مترمکعب آب برداشت و به‌صورت بی‌رویه مصرف می‌شود. حتی گفته شده است «ایرانیان ذخیره هزارساله آب را در طول سه دهه اخیر مصرف کرده‌اند...» مسئله‌ای که امروزه به یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های جدی فعالان محیط‌زیستی بدل شده است. ازاین‌رو، شورای سیاست‌گذاری حزب ندای ایرانیان، با دعوت از محمد درویش، فعال محیط‌زیستی و پژوهشگر دلایل فروشنست زمین را به صورت علمی بررسی کرد. درویش در این گفت‌وگو، فاضلاب‌های شهری را نیز علاوه بر برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی، از عمده دلایل فرسایش خاک در کلان‌شهرها دانست و گفت که بعد از تکمیل شبکه فاضلاب تهران، شاهدیم هرچه شبکه فاضلاب تکمیل‌تر می‌شود، روند فروشنست زمین در تهران هم افزایش می‌یابد. او همچنین نرخ فرسایش خاک در ایران را هشت برابر متوسط جهانی دانست و تأکید کرد که متأسفانه سالانه ۵۶ میلیارد دلار ارزش خاکمان را از دست می‌دهیم و بر اساس گزارش‌های موجود، مساحت بخشی از ایران که بیش از دو ساتی‌متر در سال دچار فروشنست است، به بیش از ۵۰ هزار کیلومترمربع رسیده است.

محمد درویش، پژوهشگر و فعال محیط‌زیستی در حزب ندای ایرانیان

ایرانیان ذخیره هزارساله آب را در طول ۳ دهه اخیر مصرف کرده‌اند

نقش کلیدی ماست که اجازه ندهیم آنها دچار فراموشی و آلزایمر شوند. باید آنها را موظف کنیم که مطابق برنامه‌هایی که در این سند دیده شده و مطابق گزارشی که سازمان زمین‌شناسی کشور منتشر کرده، حرکت کنند. گزارشی که به دلیل نگرانی‌های شدیدی که ممکن است در سطح جامعه ایجاد کند، عملا محرمانه نگه داشته شود.

فروشنست ۲ سانتی‌متری سالانه بیش از ۵۰ هزار کیلومتر خاک کشور

طبق این گزارش، مساحت بخشی از ایران که بیش از دو سانتی‌متر در سال دچار فروشنست زمین است، به بیش از ۵۰ هزار کیلومترمربع رسیده است. پژوهش دیگری که در آلمان انجام شده و برخی از محققان ایرانی از جمله دکتر مهدی معتق در آن نقش داشتند، می‌گوید اگر فقط با توجه به سنجنده‌ها این را بررسی کنیم دست‌کم ۵۷ هزار کیلومترمربع از خاک ایران فروشنستی بیش از یک سانتی‌متر در سال را تجربه می‌کند و چون نتوانستند مشاهدات میدانی داشته باشند و پروفیل‌برداری کنند، طبیعی است که نتوانستند به عمق خطری که سازمان زمین‌شناسی با مطالعات میدانی به آن رسیده، دست یابند. درحالی‌که می‌دانید چهار میلی‌متر نشست زمین، آستانه حد بحرانی است و اگر از این میزان عبور کند، شرایط سخت می‌شود.

در ادامه تصویر جدی‌تر، همان‌طور که گفته شد، مطابق گزارش سازمان زمین‌شناسی ۵۰ هزار کیلومترمربع از خاک ایران نشست بیش از دو ساتی‌متر را تجربه می‌کند که پنج برابر حد مجازی است که به عنوان حد بحرانی از او یاد شده است. بخش‌هایی از ایران در جنوب غربی تهران در دشت شهریار، فروشنست نقطه‌ای از در سال ۲۰۱۰ طبق گزارش سازمان زمین‌شناسی به ۳۶ سانتی‌متر در سال ذکر شد، یعنی ۹۰ برابر بحرانی بوده است. همچنین در سال ۲۰۱۵ در فاصله بین دشت قم و جوهر در استان فارس این رقم به ۵۴ سانتی‌متر در سال افزایش پیدا کرد. به عبارتی ۱۴۰ بار شرایط بحرانی بوده. درحالی‌که تاکنون در کل دنیا چنین چیزی گزارش نشده است.

درویش ادامه داد: البته در گزارش سال ۲۰۲۰ این رقم‌ها کاهش پیدا کرد و دیگر در هیچ نقطه‌ای شاهد چنین رکودشکنی نبودیم! اما دلیل اینکه از مرز چهار سانتی‌متر افزایش پیدا نکرده به خاطر این است که در سفرهای پیدا کنید. ما آبی وجود ندارد و به شدت کدکبر این سفرها به ته دیگ خورده و دیگر آبی نیست که کشیده شود. به همین خاطر میزان فروشنست نسبت به دهه قبل کاهش پیدا کرده است که اصلا خبر خوبی نیست. برخی تصور می‌کنند این اتفاق یک اتفاق مثبت است و کار خاصی انجام نداده است که اجازه نداده‌اند فروشنست از ۵۴ سانتی‌متر در سال بیشتر شود؛ درحالی‌که نتوانستند جلو چاهی را ببندند کند.

طرح تعادل‌بخشی سفره‌های آب زیرزمینی شکست خورده است

این پژوهشگر حوزه محیط‌زیستی با اشاره به شکست طرح تعادل‌بخشی سفره‌های آب زیرزمینی یادآور شد: طبق طرح تعادل‌بخشی سفره‌های آب زیرزمینی که قرار بود در طول برنامه ششم اجرا شود و تراز منفی به صفر برسد، اما با شکست مدیریت سد و مجری طرح رسما شکست طرح را اعلام کرده است. طرحی که قرار بود در پایان سال ۱۴۰۱ تاراز را به صفر برساند، اما تاراز را به ۱۲۵ میلیارد مترمکعب رساند. در واقع از مواد نادری بود که یک مسئول به دلیل عدم تحقق برنامه‌های مازاز متنوعش استعفا داد.

این پژوهشگر ادامه داد: بنابراین وضعیت بسیار بسیار خطرناکی است و ما از مجموع ۲۵۰ میلیارد مترمکعب آب که در اختیار داریم و پیش‌بینی می‌کنیم در سفره‌های آب زیرزمینی ما باشد و آب را عمدتا در طول سه دهه اخیر مصرف کردیم یعنی ایرانیان ذخیره هزارساله آب را در طول سه دهه اخیر مصرف کرده‌اند. این مهم‌ترین شاخص اصلی است زیستی است. در واقع وقتی آب در مرکز ایران نباشد عملا همه دستاوردها و تلاش‌ها تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. به همین دلیل بخش خردمند حاکمیت برخلاف میل باطنی خود، دولت را وادار کردند که این سد را امضا کند.

احزاب باید مطالبه‌گر باشند

او در ادامه با تأکید بر اینکه تاکنون هیچ‌یک از احزاب غیر از احزاب درباره جزئیات این سند هم عقایدی نداشته‌اند، در برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی درباره تأکید کرد و گفت: باید احزاب سیاسی در این زمینه کم‌کاری کنند، بلکه باید کرسی‌های آزاداندیشی برگزار شود و درباره جزئیات سند صحبت کنند. چرا تاکنون هیچ‌یک از احزاب چپ یا راست درباره‌اش به صحبت نکرده و جزئیاتش را بررسی نکرده‌اند تا شیوه‌های تحقق و احیانا مشکلاتی را که در اجرای این سند وجود دارد، مشخص کنند. ازاین‌رو از حزب‌های پیشکام نشویم. ممکن است شرایط به جایی برسد که عملا امکان جبران وجود نداشته باشد. به‌جرئت می‌گویم در طول ۴۵ سال گذشته که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، از من به‌عنوان یک متخصص محیط زیست بیرسند که ابمدیخش‌ترین اقدام که در جمهوری اسلامی تصویب شد، چیست؟ با قاطعیت می‌گویم سد امنیت غذایی ایران است که متاسفانه به اندازه‌ای که این سند می‌تواند ابمدیخش باشد. دربارهاش در محافل رسانه‌ای هیچ بحثی نمی‌شود.

شبکه فاضلاب شهری فروشنست زمین را تشدید می‌کند

درویش در بخش دوم صحبت‌های خود به بررسی ابعاد دیگر محیط زیست پرداخت و با تأکید بر اینکه تا طرح مسئله به‌درستی انجام نشود، نمی‌توانیم مسئله را به‌خوبی حل کنیم، گفت: طرح درست صورت‌مسئله مهم‌تر از حل مسئله است و تا زمانی که مسئله را در ابعاد مختلف مداقه و بررسی نکرده باشیم، صورتی برای حل آن مسئله احساس نمی‌کنیم. پس تنا زمانی که حکومت در موضوعات مختلف متوجه ابعاد پیچیده ماجرای محیط زیست و برایندهای کاهنده کارایی سرزمین نباشد، عبارت کلیشه‌ای «سریع، زود و انقلابی» نمی‌تواند همه مشکلات را حل کند و با مشکلات جدی‌تری مواجه می‌شویم. علاوه‌بران، نگرانی‌هایی درباره فاضلاب‌ها وجود دارد و ممکن است شبکه فاضلاب‌های شهری خودش منجر به تشدید فرایند فروشنست زمین در سکونتگاه‌ها و کلان‌شهرها شود. این مسئله واقعا جای نگرانی دارد. در حقیقت بعد از تکمیل شبکه فاضلاب تهران، شاهدیم که هرچه شبکه فاضلاب تکمیل‌تر می‌شود، روند فروشنست زمین در تهران افزایش می‌یابد؛ چراکه بخشی از چاه‌های جذبی که در تهران بودند، به صورت طبیعی آب‌های خاکستری را به لایه‌های زیرین منتقل می‌کردند و در این غربال‌بندی که اتفاق می‌افتاد، بخش درخورتوجهی هم تصفیه می‌شود. در نهایت مقداری از شناب نگرانی‌ها این است که اگر ما در این مخروط فرانه که ۷۵۰ کیلومتری جنوب می‌گیرد، اما دیگر این اتفاق نمی‌افتد.

این عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و کشور با تأکید بر اینکه تا زمانی که مسئله را در ابعاد مختلف مداقه و بررسی نکرده باشیم، صورتی برای حل آن مسئله احساس نمی‌کنیم. پس تنا زمانی که حکومت در موضوعات مختلف متوجه ابعاد پیچیده ماجرای محیط زیست و برایندهای کاهنده کارایی سرزمین نباشد، عبارت کلیشه‌ای «سریع، زود و انقلابی» نمی‌تواند همه مشکلات را حل کند و با مشکلات جدی‌تری مواجه می‌شویم. علاوه‌بران، نگرانی‌هایی درباره فاضلاب‌ها وجود دارد و ممکن است شبکه فاضلاب‌های شهری خودش منجر به تشدید فرایند فروشنست زمین در سکونتگاه‌ها و کلان‌شهرها شود. این مسئله واقعا جای نگرانی دارد. در حقیقت بعد از تکمیل شبکه فاضلاب تهران، شاهدیم که هرچه شبکه فاضلاب تکمیل‌تر می‌شود، روند فروشنست زمین در تهران افزایش می‌یابد؛ چراکه بخشی از چاه‌های جذبی که در تهران بودند، به صورت طبیعی آب‌های خاکستری را به لایه‌های زیرین منتقل می‌کردند و در این غربال‌بندی که اتفاق می‌افتاد، بخش درخورتوجهی هم تصفیه می‌شود. در نهایت مقداری از شناب نگرانی‌ها این است که اگر ما در این مخروط فرانه که ۷۵۰ کیلومتری جنوب می‌گیرد، اما دیگر این اتفاق نمی‌افتد.

۱۰۰ درصد شبکه فاضلاب خاک را تشدید می‌کند

درویش در ادامه شبکه‌های فاضلاب کلان‌شهرها را عامل دیگر فروشنست زمین دانست و افزود: به اعتقاد من صددرصد شبکه فاضلاب تهران بحث فروشنست‌ها را تشدید می‌کند. دقت کنید تهران شهری است که مانع‌ایجاد آن را عمدتا از حوزه‌های دیگر وارد می‌کند، یعنی روده‌اش کرج از البرز و همچنین حتی از سرشاخه‌هایی در کردستان. یکی از سرشاخه‌های سفیدرود و قزل‌اوزن که پای طالقان می‌آید. از اتحاب آب وارد تهران می‌شود. با سرشاخه‌ای را که به سمت خزر و لار می‌رود، به سمت تهران برگردانده‌اند. فاعدتا تهران باید همیشه با خیز آب مواجه باشد اما به دلیل ورود این آب‌ها و با توجه به اینکه حدود ۱.۱ میلیارد مترمکعب آب که وارد تهران می‌شود، به صورت شرب و خانگی و مصارف وابسته می‌رسد، برخلاف بسیاری از استان‌ها که بزرگترین کمبودگاه آب استان‌ها بخش کشاورزی، صنعت و بعد شرب است، تهران بزرگترین مصرف‌کننده آب شرب است. باز هم انتظار می‌رود که این آب‌ها باعث شوند بدیده فروشنست اتفاق نیفتد؛ اما سؤال اینجا است که چرا چنین اتفاقی با این شدت رخ داده و در حال افزایش است؟ دلیل عمده‌اش بحث فاضلاب است و امیدوارم روزی وزارت نیرو، سازمان آب و فاضلاب، سازمان زمین‌شناسی و سازمان نقشه‌برداری ملاحظات را کنار بگذارند.

او در ادامه بیان کرد: چهار سال پیش، قبل از کودتا مدیرکل سازمان زمین‌شناسی به من گفت هرچه فرانه می‌زنیم فروشنست خاک دارد. کسی ماجرا را جدی نمی‌گیرد. ما نیاز به کار رسانه قوی داریم. ازاین‌رو ما تیم رسانه‌ای تشکیل دادیم که هر هفته به یکی از استان‌های بحرانی سرکشی کرده و گزارش آن را در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کند تا دیده شود. شاید به این واسطه بتوانیم حساسیت‌ها را افزایش بدهیم. به‌همین‌دلیل با مدیران کل در استان‌های مختلف صحبت کردیم. اول هم از اصفهان شروع کردیم که خیلی هم سروصدا کرد؛ اما بعد از آن تماس گرفتند و گفتند دیگر نمی‌خواهد ادامه بدهید. دراین‌باره ده‌ها تلفن داشته‌ایم. حتی دراین‌باره مدیرکل زمین‌شناسی اصفهان برکنار شد چرا باعث بروز نگرانی شده است؟ حتی گزارش آخرشان را هم نتوانستند منتشر کنند. درباره تهران هم متأسفانه این مسائل وجود دارد.

سالانه بیش از ۵۰ هزار نفر در کشور و ۹ هزار نفر در تهران از آلودگی هوا می‌میرند!

این فعال محیط‌زیستی در ادامه به میزان آلودگی هوا به‌عنوان مشکل جدی دیگر اشاره کرد و گفت: درباره بحث آلودگی هوا هم همین مسئله مطرح است. روزی نزد معاون وزیر بهداشت که زمانی معاون آقای قالیباف در شهرداری بود، رفتم. در دولت اول حسن روحانی ایشان معاون وزیر بهداشت و معاون اجتماعی بود. به ایشان گفتم ۳۰ سال است در این حوزه فعالیت دارم و مدام می‌گویند که در تهران پنج هزار نفر بر اثر آلودگی هوا کشته می‌شوند و عجیب است که این عدد تغییر نمی‌کند. درحالی‌که جمعیت زیاد شده و شاخص آلودگی هوا افزایش یافته است. چرا این عدد تغییری نمی‌کند؟ ایشان خندید و گفت که دیگر دارد به این عدد و عوامل‌ها را بروز بکنیم. جز اینکه نگرانی مردم افزایش پیدا می‌کند. مگر فایده دیگری هم دارد؟ گفتم فایده‌اش همین است که می‌گویم؛ زمانی در جمع قرار بود جمع حمل‌ونقل بزرگ را رجوع جهان هزار میلیارد تومن افزایش بدهند؛ اما در نهایت نمایندها به این جمع‌بندی رسیدند که ۱۷، ۱۸ هزار نفر در جاده‌ها کشته می‌شوند. پنج هزار نفر هم در تهران بمیرند و مسئله‌ای نیست. در نهایت هم ۴۰۰ میلیارد تومان تصویب شد. دلیل آن هم این است که اطلاعات بفروز در اختیار مسئولان و جامعه قرار نمی‌گیرد تا ابعاد فاجعه مشخص شود.

عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و کشور افزود: سال ۱۴۰۲ برای اولین بار وزیر بهداشت به‌عنوان مقام رسمی کشور اعلام کرد که در تهران هفت هزار نفر به دلیل آلودگی هوا می‌میرند. نه پنج هزار نفر. شکست‌انگیز بود که وزیر بهداشت این رقم را اعلام کرد و بلافاصله یک گفتگوی مقام مسؤول جست‌جرئت بیدا کرد و گفت اتفاقا در این عدد ۹ هزار نفر است، نه هفت هزار نفر و ما دست مردم‌دیدنی جنین داریم. نکته اینجاست که یکی از بالاترین نرخ‌های مردم‌زایی جنین در ایران گزارش می‌شود و آشکارا با سیاست‌های افزایش جمعیت هم دارد؛ بنابراین کار دوستان نکران این سیاست‌ها هستند. باید به موضوع آلودگی هوا خیلی جدی‌تر ورود کنند. که اینکه به مرکز پژوهش‌های مجلس تنبر نزنند که چرا در آمارها سیاه‌نمایی می‌کنند. مرکز پژوهش‌های مجلس به‌تازگی اعلام کرده که ۱۱.۲ میلیارد دلار، خسارت درمان بیماری‌های ناشی از آلودگی هوا است و تقریبا برابر نیم بارجه بودجه بزرگترین وزارتخانه (آموزش و پرورش) است.

طوفان هوای پاک را هم نادیده گرفته‌ایم

او با انتقاد از اجرانشدن برخی قوانین در کشور گفت: بنابراین مهم‌ترین دلیل افزایش مرگ‌ومیر سالانه که بیش از ۵۰ هزار نفر در کشور و ۹ هزار نفر در تهران است، همین آلودگی هوا است. فاجعه عدم توجه به بحران آلودگی هوا علاوه بر تاثیر روی سلامتی، اثر بر روان مردم است. ماسفانه از زمان تصویب قانون هوای پاک در سال ۱۳۹۶ اثر گیاهی هوای پاک سالم، واقعا و خطرناک را بیینید. هر سال تعداد روزهای ناسالم و خطرناک در تهران و خیلی از کلان‌شهرهای دیگر مثل اصفهان، اردکان، اراک، مشهد و تبریز بیشتر شده است و این امر نشان‌می‌دهد ما به قانون هوای پاک هم توجه نکردیم. سند امنیت غذایی هم اگر مورد توجه واقع نشود، یعنی اگر نظام حکم برکنو ما مداخله و با تدبیر عمل کند، دست‌کم ۱۰ برابر امارات متحده عربی می‌توانیم از تجارت غیرنفتی هم بیریم. می‌توانند چراغی برای ما باشد که اگر مسیر توسعه را تغییر بدهیم و سراغ اقتصادی که آبمحور نباشد برویم و همچنین به سراغ استحصال انرژی‌های نو، انرژی خورشیدی، زمین‌گرمایی، جزرومدی و بادی و توسعه زیست‌حاک‌های کرشکری طبیعی، تاریخی، فرهنگی و به‌خصوص توریسم سلامت برویم و از طوفان رادها و شاهراه‌های اصلی که برای آسیای میانه از طریق آب‌های آزادی که در اختیار ایران وجود مقی می‌شیم.

درویش همچنین تصریح کرد: سال گذشته از محل توریسم سلامت یک‌میلیون ۲۰۰ هزار نفر وارد کشور شدند و یک میلیارد دلار درآمد داشتیم. مسعود عراقی، مالک شهرک سلامت اصفهان می‌گوید اگر دست و پای من را بار بگذارید. از محل توریسم سلامت در اصفهان به تنهایی می‌توانم چهار میلیارد دلار درآمد برای ایران بیافرینم؛ یعنی عددی بیش از ارزش کل کشاورزی، دام، طیور و شیلات کل استان اصفهان که چنین فاجعه‌ای از در زاینده‌رود به وجود آورده است. اینها رویکردهای دقیق و جدی است که باید دنبال کنیم. امروز باید مسئولان مربوطه از متوجه کنیم چهره دچار فروشنست می‌شود. دراین‌صورت حدود ۱۵ هزار سال صبوری کنند تا تاب‌آوری‌اش را ببینند. پیوند آب و واقعیت‌هایی است که باید برای مردم و حاکمیت شرح بدهیم و بگوییم در چه شرایط دشواری قرار داریم.

کمپین قیطریه موفق عمل کرد و مانع از قطع درختان شد

این پژوهشگر و فعال محیط‌زیستی در بخش پایانی سخنان خود به کمپین و کارزار قیطریه اشاره کرد که با امضای مردمی توانست مانع از قطع درختان و ساخت مسجد بزرگ در این پارک شود. درویش در انتقاد به این‌گونه رفتارها که سلامت مردم را هدف قرار می‌دهد، گفت: اصل ماجرایی که ما فریاد می‌زنیم، امسال در جیدهان بودجه ۲۱ وزارتخانه و سازمانی که در راسش معاون رئیس‌جمهور حضور دارد، خودش را نشان می‌دهد. امسال بودجه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای اولین بار از مرز ۴۰۰ هزار میلیارد تومان هم گذشت؛ درحالی‌که بیش از ۹۰ درصد این بودجه در بخش درمان هزینه می‌شود. چرا جاه ویل ایران درمان است و با این شتاب مردم ایران درگیر بیماری‌های مختلف می‌شوند و بخش درخور توجهی از GDP کشور برای درمان هزینه می‌شود. اما بخش قابل توجهی از این هزینه‌ها به هدف نمی‌رسد و ماتسفانه هم‌وطنانمان را از دست می‌دهیم؟ اگر روی همین مسئله بتوانیم تمرکز کنیم که دستگاه‌های که در کشور مسئول پیشگیری و سلامت کیفیت زندگی ایرانیان هستند و دستگاه‌هایی که مطابق اصل ۵۰ قانون اساسی باید تلاش کنند تا لازمه حیات اجتماعی رو به رشد مردم ایران با حق برخورداری از محیط زیست مناسب را از دست می‌دهند؟ اگر روی همین مسئله بتوانیم تمرکز کنیم که دستگاه‌های که در کشور مسئول پیشگیری و سلامت کیفیت زندگی ایرانیان هستند و دستگاه‌هایی که مطابق اصل ۵۰ قانون اساسی باید تلاش کنند تا لازمه حیات اجتماعی رو به رشد مردم ایران با حق برخورداری از هوا آب و خاک سالم تأمین شود. در فلش‌ترین شکل ممکن هستند و کمترین آسیب‌ها را می‌گیرند. حاصلش می‌شود چنین فاجعه‌ای، حاصلش می‌شود اینکه فقط تنور داروهای ضدسرطان ممکن است از بودجه جند خارج شود و آن قوت ماهیانی که شکل می‌دهند اشبا امید بدش نباید این اتفاق تداوم داشته باشد. چون سود خودش را می‌گیرد.

این فعال محیط‌زیستی بیان کرد: به‌عنوان مثال استان کیلان که میزان ریزش‌های آسمانی آن دست‌کم جهار برابر نیازهای مردمش است. اکنون با بحران آب باکیفیت در بخش شرب و کشاورزی مواجه هستند؛ اما به حدی که آب جیرودنی شده و حتی در رودبار مردم آب ندارند! جزیاد در استانی که اگر جهار متر زمین را بکنیم به آب می‌رسیم و در غریش تند دو هزار میلی‌متر ارتفاع بارندگی دارند، با کمبود آب روبه‌رو باشیم؟ البته می‌گویند آب هست اما کیفیت لازم را ندارد. سؤال اینجاست که چرا کیفیت ندارد؟ پاسخ اینکه فاضلاب شهری و سوایه وارد آب‌های سطحی زیرزمینی می‌شود. مطالبات دیگری اینکه چرا تصفیه‌خانه نمی‌زنید و شیرابه‌ها را مهار نمی‌کنید؟ چرا مدیریت پسماند از برنامه پنج‌ساله چهارم روی میز ما قرار داده نشده است؟ پاسخ می‌دهند پول نداریم و بابد برای پنج سال، جهار میلیارد تومان هزینه کنیم تا بتوانیم مشکل زباله، پسماند و شیرابه کیو سراوان و کوه عمارت را حل کنیم. پاسخ اینکه اگر پول نداریم چرا سدسازی می‌کنیم؟ کل استان‌های گیلان و مازندران با کارگاه سدسازی تبدیل گردیاید. برای این موارد چقدر هزینه می‌کنید؟ تنها در استان گیلان که ابعاد می‌کنید جزء میلیارد دلار هزینه شده است. دشرخ‌ناپذیر است. ما سال‌ها میل به سد و تومان برای سدسازی هزینه کرده‌اید. میلیون‌ها درخت را قطع می‌کنید و نرخ فرسایش خاک را افزایش می‌دهید و رویه کشور از این می‌برید و در نهایت ما فقیر می‌شویم. چقدر این حرف‌ها می‌تواند بار سیاسی خردمندانه داشته باشد و هرکسی که کشور را دوست دارد، به فکر فرو ببرد؟ فراتر از مرزهای سیاسی و جناح‌ها، اگر خردمندانه از مجموع بحران‌ها هست استفاده شود، می‌تواند همه ما را نجات دهد. او تاکید کرد: در جنس قیطریه همین اتفاق افتاده است. بسیاری معتقد بودند این همه معضل در این کشور وجود دارد، حالا جهار درخت در یک پارک محلی در تهران باشد با نباشد هیچ مه مشکلی را حل می‌کند؟ مسئله این است که شما با شیرابی که اکعدا کردید، یک روحیه ونداليسم در جامعه ایجاد کردید. سؤال اینکه مردم ما جرا در انتخابات شرکت نمی‌کنند؟ به همین دلیل هم دیگر در کارزارها شرکت نمی‌کنند. چون می‌گویند صدای ما شنیده نمی‌شود. اگر به جای حد هرا امضا. این کارزارها را یک میلیون نفر امضا کنند، آقای زاکانی کار خودش را می‌کند. این بدترین افیون برای تاب‌آوری یک جامعه است و باید این ظلم را بیکنیم و خوشبختانه در بازی قیطریه بالاخره این ظلم شکسته شد. مجموعه کارزارهایی که در انتقاد به مدیریت شهر تهران راه افتاد، بیشتر از ۲۱۰ هزار امضا جمع کرده که بیش از ۶۲ هزار نفر خواهان جلوگیری از زاکانی از شهرداری تهران شدند. کسی که اکنون خودش را در هیبت رئیس‌جمهوری می‌بیند. اینها نشانه‌های مثبت و امیدبخش است که باید دنبال کنند دیده می‌شود، دوباره برمی‌گردند. او در پایان تاکید کرد: مسجدی که قرار بود با سطح اشغال ۸۰۰ متر، با عمق ۲۰ متر و ارتفاع ۲۸ متر با زیربنای سه‌هزارو ۵۰۰ متر در پارک قیطریه ساخته شود و آقای نقره‌کار معروف قرار بود این سازه را بسازد. الان به یک سازه ۱۰۰متری تبدیل شده که همان خیز اعلام کرده ساخت آن برایش صرف ندارد و این حرف حای تعجب دارد که ساخت مسجد که قرار بود وقف شود. چه صرفه‌ای باید داشته باشد؟ مگر اینکه از قبال آن قرار باشد کارهای دیگری انجام شود. اما با همین امضاهای مردم از طریق کارزار، جلوی ساخت این سازه را گرفتیم و علاقه‌مندان جدی در مقابل همه سازه‌هایی که شهرداری قصد داشت در دستور کار قرار بدهد، ایستادند. درست است که آنها رسما عذرخواهی و عقب‌نشینی نکردند. اما عملا این کار را انجام دادند. از اینرو، همه شهر بر شده از رشد بیمارگونه درخت و ۱۰ هزار اشاب درخت در پارک قیطریه بیش از چهار سال گذشته و اعلام معلوم شده که ح